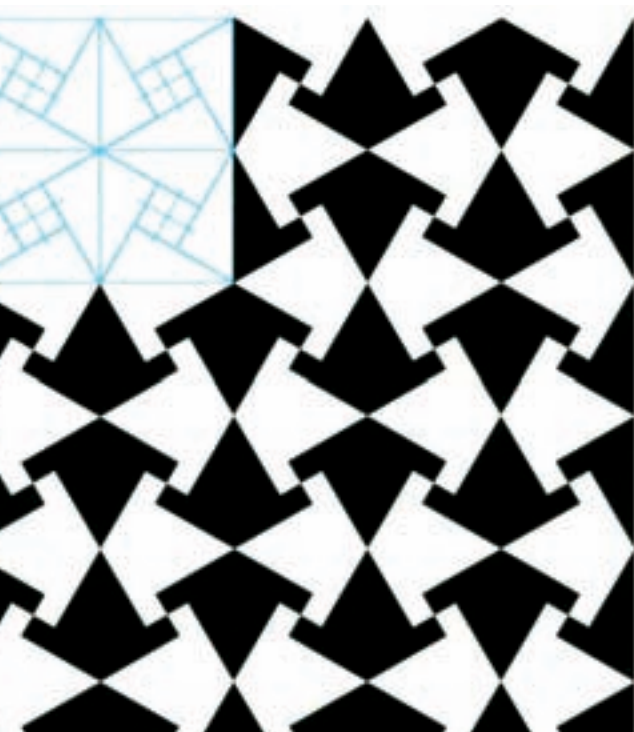


اما نکته‌ای که اینجا قابل بیان می‌باشد این است که، گاهی در آثار هنری فضای منفی و مثبت هر دو دارای شکل معین و خاص هستند به عنوان مثال در تصویر ۲-۳۲ اثر فضای مثبت و منفی هر دو دارای شکل هستند و هم‌زمان قابل مشاهده و ادراک هستند و در بیان اثر هنری به یک میزان مؤثر می‌باشند. این شیوه‌ی شکل مثبت، منفی در بین هنرهای ایرانی در گره چینی‌ها و مشبک‌کاری‌ها یافت می‌شود (تصویر ۲-۳۳). در این هنرها نیز شکل‌های مثبت و منفی در کنار هم قرار گرفته و هر دو به یک میزان توجه بیننده را به خود جلب می‌کنند و به صورت متناوب دیده می‌شوند.



تصویر ۲-۳۳ شکل‌های مثبت و منفی در گره چینی ایرانی



تصویر ۲-۳۲ اثر موريس اشر

شکل‌های مثبت و منفی در طراحی حروف نیز بسیار نمود پیدا می‌کنند، حروف فضای مثبت، و بیرون آن فضای منفی محسوب می‌شود و طراحانی که در این زمینه به فعالیت می‌پردازند به زیبایی و فرم شکل‌های منفی بین حروف بسیار توجه دارند (تصویر ۲-۳۴).



تصویر ۲-۳۴



تصویر ۳۵-۲ استفاده از فضای خالی به عنوان یکی از عناصر اصلی اثر

اشکال منفی در احجام سه بعدی نیز مطرح است و در ترکیببندی کلی آن بسیار مؤثر است و در بعضی از آثار هنری حجمی از شکل منفی برای القاء مفهوم اصلی استفاده شده است (تصاویر ۳۶ و ۳۵-۲).

شکل‌های مثبت و منفی می‌توانند دارای ترکیبی باشند که چشم ما به طور مداوم بینشان حرکت کند. به طور مثال در تصویر ۳۷-۲ چشم لحظه‌ای فضای سفید را می‌بیند و لحظه‌ای فضای سیاه را درک می‌کند و این حرکت هم‌چنان ادامه دارد، زیرا فضای مثبت و منفی هم‌ارزش بوده و هر کدام شکل آشنایی را به نمایش درآورده‌اند.



تصویر ۳۷-۲ هم‌ارزش بودن فضای مثبت و منفی در این اثر کاملاً مشهود است



تصویر ۳۶-۲ گونه‌ی جالبی از فضای منفی در مجسمه‌سازی

تمرین ۱- از طراحی سایه‌وار^۱ و کاملاً سیاه دو شکل، یک شکل مرکب خلق کنید. در یک‌الی دو نقطه از محیط، اشکال به همدیگر وصل شوند و خط بسته آن‌ها فضای مثبت و فضای بیرون منفی خواهد بود.

برای مثال تصویر یک گلدان را طوری طراحی کنید که محل هم‌پوشانی برگ‌ها و گلدان به هم وصل شوند.

با مرکب یا آکرلیک این کار را انجام دهید. در آخر شاهد یک طرح مات و مبهم با لبه‌های کاملاً واضح خواهید بود.

تمرین ۲- چند شکل را در کنار هم با تأکید بر فضای منفی به گونه‌ای طراحی کنید تا اهمیت فضای مثبت و منفی یکسان باشد، در طراحی دوم تأکید بر فضای منفی به گونه‌ای باشد که هرگاه به یک فضا نگاه کنید چشم به فضای دیگر حرکت کند و تشخیص فضای منفی و مثبت راحت نباشد.

تمرین ۳- یک کادر از طبیعت بی‌جان (مستقیماً یا از روی تصویر) انتخاب کنید و اشیاء را یک‌بار با فرم‌های هندسی مثلث و مربع و سپس همان کادر را با اشکال هندسی بیضی و دایره طراحی کنید.

حالا دقت کنید؛ کدام یک از اشیاء دقیقاً در طرح وجود دارند؟ برای کدام اشیاء محدودیت ایجاد شده است؟ در هر دو طرح کدام شیء برجسته‌تر از بقیه است؟

تمرین ۴- صورت خودتان را به عنوان موضوع در نظر بگیرید، یک تصویر کاملاً مسطح با مداد نوک تیز به صورت خطی از آن ایجاد کنید، به تناسب توجه کنید. دوباره طراحی را تکرار کنید اما این بار قسمت‌های بزرگ‌تر مثل پیشانی، گونه و چانه را از تناسب خارج کنید و بزرگ‌تر بکشید و قسمت‌های کوچک‌تر مثل چشم، بینی و گوش‌ها را کوچک‌تر از اندازه واقعی طراحی کنید. طرح ایجاد شده را می‌توانید به ماسک تبدیل کنید دو ماسک ایجاد شده را با هم مقایسه کنید. تصویر یک حیوان را انتخاب کرده، با توجه به روحیه‌ی بارز آن با اغراق در اجزاء به طراحی بپردازید.

۱. silhouette



کار گروهی

یکی از اشکال هندسی (دایره ، مربع ، مثلث) را انتخاب کرده با اندازه یکسان برش بزنید حال قسمت هایی از این شکل را به وسیله ی برش خالی کنید . طرح شما می تواند با الهام از نقوش سنتی ایران باشد . قطعات آماده شده ی گروه را در کنار هم بچینید هنگام چیدمان به فضاهای منفی ما بین اشکال توجه کنید و بهترین حالت را انتخاب کرده و شکل ها را بر روی یک زمینه بچسبانید . تغییر رنگ و جنس زمینه و قطعات می تواند حالات متفاوتی را به وجود آورند .

باهم گفتگو کنیم

کدامیک از اشکال هندسی در طبیعت بیشتر یافت می شود ؟ در مورد دلیل آن گفتگو کنید .

بافت







۳ بافت

اهداف رفتاری: از فراگیر انتظار می‌رود پس از پایان فصل بتواند:

- ۱- انواع بافت را نام ببرد.
- ۲- نگاره را توضیح دهد.
- ۳- با استفاده از بافت یک اثر هنری بیافریند.
- ۴- کاربرد بافت در انواع هنرهای تجسمی را بشناسد.
- ۵- با استفاده از بافت طراحی کند.
- ۶- ارتباط بافت و موضوع را شرح دهد.
- ۷- با استفاده از بافت مناسب به ساخت اثر تجسمی بپردازد.
- ۸- ارتباط بافت و فرهنگ را توضیح دهد.

درس در یک نگاه

- بافت به عنوان یکی از عناصر هنرهای تجسمی قابلیت به وجود آوردن جلوه‌های بصری بسیاری دارد.
- بافت به دو صورت بصری و بصری لامسه‌ای وجود دارد.
- به بافتی که از تکرار یک نقش مایه به وجود آید نگاره (پترن) گفته می‌شود.
- بافت در هنرهای مختلف به گونه‌های متفاوتی ظاهر می‌شود.

- برای نقاشان امپرسیونیست بافت رنگی ارزش خاصی دارد.
- نقاشان مدرن (پیکاسو و براك) مهم‌ترین تحول در کاربرد بافت را با ترکیب مواد و کلاژ به وجود آوردند.
- در نگارگری ایرانی بافت‌های زیبا و ظریفی به کار رفته است که از طریق ضربات قلم‌مو، افشان‌گری تکرار یک نقش‌مایه و ... به دست آمده‌اند.
- در هنر طراحی به علت محدودیت ابزار، بافت می‌تواند در بیان افکار و احساسات بسیار مؤثر باشد.
- بافت در انتقال مفهوم و یا حس خاص بسیار تاثیرگذار است.
- بافت نشان دهنده‌ی ویژگی‌های فرهنگی و عقیدتی هنرمند و جامعه‌اش می‌باشد. ►

بافت

انسان از دوران کودکی تجربیاتی را از طریق لمس کردن به دست می‌آورد و انواع آن را از طریق مشاهده ادراک می‌کند و با توجه به این تجربیات در هنگام برخورد با نمونه‌های تصویری اظهار نظر می‌نماید.

بافت به عنوان یکی از عناصر هنرهای تجسمی قابلیت به‌وجود آوردن جلوه‌های بصری بسیاری دارد و به همین دلیل مورد توجه هنرمندان زیادی است (تصویر ۱-۳).



تصویر ۱-۳ جکسون پولاک ، هنر کنشی

طریقه‌ی ایجاد بافت بسیار متنوع و وسیع است، بعضی از انواع بافت فقط جلوه‌ی بصری داشته اما برخی علاوه بر جلوه‌ی بصری از طریق حس لامسه نیز قابل درک می‌باشند (تصویر ۲-۳).



تصویر ۲-۳ نمونه‌هایی از بافت‌های بصری و بصری لامسه‌ای

بافت از دیرباز مورد توجه فرهنگ‌های مختلف بشری بوده است (تصویر ۳-۳). در تاریخ ایران نیز گونه‌های مختلف بافت (بصری و بصری لامسه‌ای) در آثار مختلف دیده می‌شود (تصاویر ۵ و ۳-۴).



تصویر ۳-۴

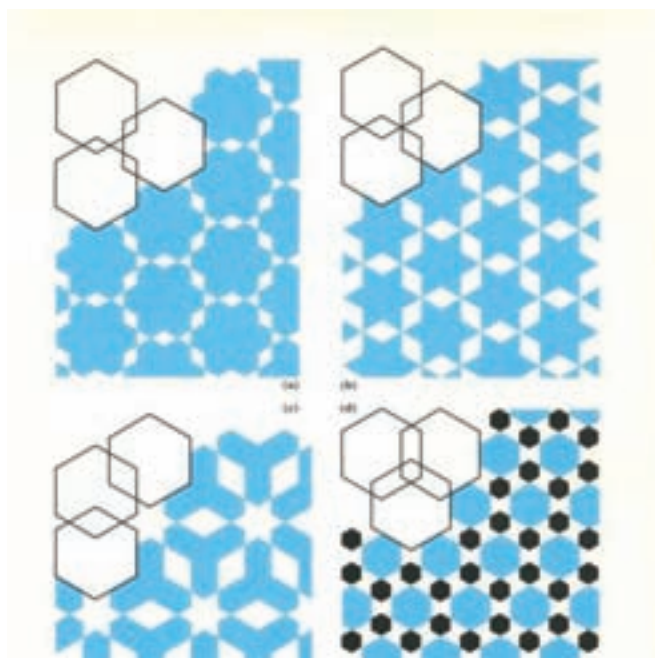


تصویر ۳-۳ کاربرد خط در فرهنگ افریقایی



امروزه برخی از هنرمندان نوگرا آثار هنری خود را در سطح یا در حجم به نحوی ارائه می‌دهند که علاوه بر جنبه‌های بصری، از طریق لامسه نیز ارتباط را به گونه‌ای دیگر برقرار می‌سازد و ممکن است یک اثر مجسمه‌سازی یا نقش برجسته به نحوی به وجود آید که کاملاً یا بخشی از آن از طریق حس لامسه قابل درک و فهم باشد. البته اگر میدان عمل هنرهای تجسمی را گسترده‌تر تصور کنیم و زمینه‌های جدیدی را که برخی از مواد امروزی خصوصاً برای طراحی صنعتی و هنرهای کاربردی فراهم ساخته است در نظر بگیریم، اهمیت موضوع را بهتر درک می‌کنیم (تصویر ۳-۶).

گاهی بافت از تکرار یک نقش مایه^۱ به وجود می‌آید که به این نوع از بافت نگاره^۲ گفته می‌شود (تصویر ۳-۷). این گونه از بافت در تزئینات معماری ایرانی بسیار زیبا استفاده شده است، گاهی به صورت نقش و گاهی کاشی معرق و یا به صورت گچ‌بری و آینه‌کاری در واقع این گونه بافت قابلیت اجرا با انواع مواد را دارد و این هنرمند است که براساس فضا و موضوع کار خود نوع اجرا آن را انتخاب می‌کند (تصویر ۳-۸).



تصویر ۳-۷ - نقش مایه ایرانی



تصویر ۳-۶ خط در طراحی صنعتی

۱. Motif .

۲. Pattern .



تصویر ۸ - ۳ - در معماری به کارگیری بافت هماهنگ با فرهنگ و محیط می تواند جاذبه‌ی خاصی به وجود آورد

کاربرد بافت

کیفیت‌های جذابی که مواد مختلف می‌توانند به وجود آورند باعث شده است که هنرمندان برای خلق آثارشان از ابزار و مواد متفاوتی استفاده کنند که این ابزار و مواد در هنرهای مختلف تفاوت‌های کاربردی دارند. مثلاً بافت در معماری ممکن است از ترکیب آجر، کاشی و شیشه و ... به وجود آید (تصویر ۹-۳). و یا در مجسمه سازی به وسیله‌ی کنده کاری بر روی چوب، سنگ، گل و ... نمایان شود (تصویر ۱۰-۳).



تصویر ۹-۳ استفاده از بافت در تزئین فضای معماری



تصویر ۱۰-۳ تنوع بافت در آثار حجمی

در نقاشی نیز استفاده از هر کدام از ابزار و مواد از قبیل رنگ و روغن، آبرنگ، پاستل، بوم، مقوا و ... بافت خاصی را به وجود می‌آورد که دارای کیفیت و بیان مخصوص به خود می‌باشند. با این تفاوت که در آثار حجمی کیفیات بصری از قبیل زبری، نرمی و ... بافت قابل لمس می‌باشد در صورتی که در آثار دو بعدی به صورت ترسیمی نمایش داده می‌شوند. توجه بیشتر به بافت در نقاشی تا حدودی با اولین کوشش‌هایی که در رابطه با هنر مدرن انجام گرفت هم‌زمان می‌باشد.

برای نقاشان امپرسیونیست کیفیت تصویری بافت رنگی که از ضربات قلم‌مو بر روی بوم به وجود می‌آمد ارزش خاصی داشت. از میان نقاشان این سبک پل سزان، وینسنت ون‌گوگ را می‌توان نام برد (تصویر ۱۲ و ۱۱-۳).



تصویر ۱۱-۳ ونسان ون‌گوگ



اما مهم‌ترین تحول در رابطه با کاربرد بافت در نقاشی، مربوط به زمانی است که برای اولین بار نقاشان مدرن از جمله پابلو پیکاسو و ژرژ براک علاوه بر استفاده از مواد رنگی مرسوم، اشیاء جدیدی را مانند سطوح کاغذ، روزنامه، تخته، دانه‌های شن و غیره در ترکیبات نقاشی خود به کار گرفتند تا کیفیت تصویری جدیدی را ارائه دهند و برای نمایان شدن بافت‌های بسیار متنوع در آثار نقاشان این شروع جدیدی بود (تصویر ۱۴ و ۱۳-۳).



تصویر ۱۴-۳ ژرژ براک



تصویر ۱۳-۳ پابلو پیکاسو، ترکیب نقاشی و کلاژ

در نگارگری ایرانی نیز بافت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در دوران مختلف متفاوت بوده است. با مقایسه در تصاویر ۱۶ و ۱۵-۳ می‌توان تغییر نوع بافت در نگارگری ایرانی را مشاهده کرد. بافت به صورت‌های مختلفی از قبیل: ضربات نوک قلم‌مو، افشان‌گری، تکرار یک نقش مایه‌ی هندسی و یا به وسیله‌ی ریتم خطوط به‌وجود می‌آید. و این شیوه‌ها در طول تاریخ باعث به وجود آمدن آثار بدیع و قابل توجهی بوده است. در تصویر ۱۷-۳ که توسط هنرمند معاصر صورت گرفته است به کمک همین شیوه‌ها کار شده اما جلوه‌ای کاملاً متفاوت به وجود آورده است.



تصویر ۱۵-۳ گونه‌ای بافت
در نگارگری



تصویر ۱۶-۳ گونه‌ای بافت
در نگارگری



تصویر ۱۷-۳ به کارگیری بافت در نگارگری معاصر

هنرمندان نقاش ایرانی امروزه نیز در آثارشان از بافت به شیوه‌های مدرن یعنی از طریق ترکیب مواد، بسیار بهره می‌گیرند و جلوه‌های بصری ویژه و گاهی خاص خود به وجود می‌آورند. تصاویر زیر نمونه‌هایی از این آثار می‌باشند (تصاویر ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸-۳).



تصویر ۱۸- هنر محیطی، احمد نادعلیان

تصویر ۱۹- بافت در نقاشی





تصویر ۲۰-۳ بافت در تصویر سازی

تصویر ۲۱-۳ بافت در تصویر سازی



در هنر طراحی به علت محدودیت ابزار، بافت‌های بصری می‌تواند بسیار مؤثر باشد. هنرمندان از طریق به کارگیری بافت‌های مختلف به بیان افکار و عواطف خود می‌پردازند و جلوه‌های بصری متفاوتی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند (تصویر ۲۲-۳). هنرمندان خوشنویس نیز به گونه‌های مختلف بافت را به کار برده‌اند، گاهی به شکل نقش و نگارهای کاغذهای ابر و بادو گاهی افشان‌گری ذرات رنگ در صفحه و ... (تصویر ۲۳-۳) در شیوه‌ی خوشنویسی به صورت سیاه مشق خود حروف با تکرار و تغییر ضخامت‌های متنوع به وجود آورنده‌ی بافت می‌شوند (تصاویر ۲۶ و ۲۵ و ۲۴-۳).



تصویر ۲۲-۳ تغییر بیان طراحی از طریق بافت



تصویر ۳-۲۳ خوشنویسی به عنوان بافت



تصویر ۳-۲۴ بافت به عنوان تزئین اثر خوشنویسی



تصویر ۳-۲۵ ایجاد ارزش بصری با استفاده از خوشنویسی



تصویر ۳-۲۶ بافت سیاه مشق

در هنرهای کاربردی نیز نقش بافت بسیار مهم است و می‌توان گفت در بسیاری از این هنرها تنوع بافت الیاف مختلف باعث دگرگونی شده است (تصاویر ۲۸ و ۲۷-۳). به طور مثال با دقت در دست بافته‌های مناطق مختلف کشورمان می‌توانیم به این نتیجه برسیم که حتی با استفاده از مواد یکسان نیز می‌توان بافت‌های متفاوت ایجاد کرد. که این تنوع در اثر تفاوت‌های محیطی، جغرافیایی و فرهنگی است (تصویر ۲۹-۳).



تصویر ۲۸-۳



تصویر ۲۷-۳ ایجاد بافت متنوع با استفاده از نخ



بافت به عنوان یک عنصر تصویری قوی به تنهایی و بدون داشتن تصویری خاص می‌تواند به عنوان یک اثر هنری مطرح شود. البته لازم به ذکر است که خود بافت نیز ترکیبی از عناصر دیگر (نقطه، خط، رنگ و ...) می‌باشد (تصاویر ۳۱ و ۳۰-۳).



تصویر ۳۱-۳



تصویر ۳۰-۳ به کارگیری بافت در پوستر

بافت و موضوع

بافت به عنوان یک عنصر ویژه در انتقال مفهوم و یا حس خاص، می‌تواند بسیار موثر باشد. ابزار و مواد با توجه به خاصیت وجودی و نوع به کارگیری‌شان اثرات متفاوتی در بیننده به وجود می‌آورند. و هنر استفاده از بافت مناسب برای هر موضوع به ارزش اثر می‌افزاید و می‌توان گفت علت موفقیت بسیاری از هنرمندان شناخت صحیح بافت و به کارگیری آن می‌باشد (تصاویر ۳۳ و ۳۲-۳).



تصویر ۳-۳۳



تصویر ۳-۳۲ هماهنگی موضوع و بافت در پوستر

نوع بافت به کار رفته در آثار هنری علاوه بر بیان موضوع می‌تواند معرف فرهنگ و باورهای مورد نظر هنرمند نیز باشد.

تنوع بافت در فرهنگ‌های مختلف دارای اهمیت بسیاری است زیرا فرم‌ها و رنگ‌ها و نقش‌های به کار رفته در آن‌ها منتقل کننده‌ی افکار و سلايق هر جامعه بوده و در مواردی می‌تواند نمایان‌گر روند تاریخی یک تمدن باشد (تصاویر ۳۷ و ۳۶ و ۳۵ و ۳۴-۳). و هنرمند می‌تواند از طریق هنر خود در بقا و رشد فرهنگ جامعه و انتقال آن به جوامع دیگر مؤثر باشد.



تصویر ۳-۳۵



تصویر ۳-۳۶

تصویر ۳-۳۷



تصویر ۳-۳۴



با هم تجربه کنیم

تمرین ۱- موضوعی را انتخاب کرده و با قلم فلزی طراحی کنید. هنگام طراحی سایه روشن‌ها را به کمک بافت خاصی به وجود آورید. سعی کنید بافتی منحصر به فرد به وجود آورید.

تمرین ۲- ترکیبی از اشیاء و طبیعت بی‌جان را در کارگاه بچینید و از آن طرح‌های مختلفی بزنید. به کمک هنرآموز بهترین طرح را انتخاب کرده و با استفاده از بافت‌های مختلف تکمیل کنید. برای ایجاد بافت‌ها می‌توانید از انواع چاپ کمک بگیرید.

تمرین ۳- نمونه‌هایی از کاربرد بافت در هنرهای مختلف از قبیل: مجسمه‌سازی، طراحی صنعتی، معماری و... را انتخاب کرده و از آن‌ها عکاسی کنید. عکس‌ها را به کلاس آورده و به نمایش در آورید و در مورد آن‌ها به گفتگو بپردازید.

- عکس‌هایی که نشان‌دهنده‌ی فرهنگ شهر یا استان شماست را جمع‌آوری کنید. بخش‌هایی از این تصاویر را انتخاب کنید و در کنار هم بچسبانید به گونه‌ای که دیدن کل اثر القاکننده‌ی بافت فرهنگی مورد نظر باشد. این کار می‌تواند در قطع A۳ ارائه شود.

با هم گفتگو کنیم

در مورد علت بکارگیری تنوع بافت در هنرهای مختلف گفتگو کنید.

حجم های بافت دار و موزائیک

هنر نقاشی موزائیک عبارت است از قرار دادن قطعات سنگ، سنگهای قیمتی، سرامیک، شیشه، چوب، فلز، کاشی شکسته و غیره در کنار یکدیگر و ایجاد شکل‌هایی منظم یا نامنظم (طبق طرح اولیه) که یک طرح یگانه‌ای را به وجود بیاورند. (رجوع شود به فصل رنگ _ کاربرد رنگ از گذشته تا کنون)

ابزار و مواد لازم:

کاشی

تخته سه لایی، در صورت ارائه کار به صورت تابلو

انبر مخصوص خرد کردن

چسب کاشی یا چسب چوب

سیمان سفید و پودر سنگ نرم

رنگ های پودری مخصوص



تصویر ۳-۳۸

روش اجراء:

ابتدا بستر کار، این هنر را می‌توان روی هر بستری از جمله چوب، دیوار، کف، کوزه یا مجسمه‌ها انجام داد.

آغشته کردن سطح پاک شده با چسب چوب و برای تزئین روی یا کف دیوار از چسب کاشی استفاده نمایید.

کاشی‌های مورد نظر را با انبر به اشکال مورد نظر خرد و کوچک می‌کنیم و در جای خود می‌چسبانیم.

بعد از اتمام کار چسباندن قطعه‌های موزائیک، بین آن‌ها را با ترکیب آب و پودرهای آماده (ملاط) می‌گیریم به صورتی که تمام منافذ و خلل و فرج بین قطعه‌های چسبانده شده پوشانده شود. و در آخر با یک پارچه زبر سطح کار را به آرامی و به صورت دوار پاک می‌کنیم.



تصویر ۳-۳۹

(شیشه‌های به نام اسمالتی که یک طرف این شیشه‌ها زبر و درون این شیشه‌های ضخیم حباب‌هایی وجود داشت و گاهی ورقه‌هایی از نقره و طلا برای بازتاب و شکست نور در آن‌ها به کار می‌رفت. (Smalti). که به این هنر زیلیج Zilij گفته می‌شود و در اشکال پیش ساخته انجام و در محیط نصب می‌گردد).



تصویر ۳-۴۰



تصویر ۳-۴۱



تصویر ۳-۴۲



تصویر ۳-۴۳



تصویر ۳-۴۴

تصویر ۳-۴۵





تصویر ۳-۴۶

تصویر ۳-۴۷





تصویر ۳-۴۸



ارزش بصری







ارزش بصری

اهداف رفتاری : از فراگیر انتظار می‌رود، پس از پایان درس بتواند:

- ۱- ارزش بصری را تعریف کند.
- ۲- تاثیر جنسیت اشیا را در سایه روشن توضیح دهد.
- ۳- درجات نور را بشناسد.
- ۴- ارزش بصری نور را در فرهنگ‌های مختلف بیان کند.
- ۵- ارزش نور را در آثار هنرمندان تحلیل کند.
- ۶- تاثیر فضای مثبت و منفی را در آثار مختلف بررسی کند.
- ۷- ارزش بصری رنگ را شرح دهد.
- ۸- ارزش بصری نور و رنگ در نگارگری ایرانی را بیان کند.
- ۹- تاثیر ارزش بصری بر جو را شرح دهد.
- ۱۰- ارزش نور در معماری مذهبی را شرح دهد.
- ۱۱- از ارزش‌های بصری در آثارش بهره‌مند شود.

درس در یک نگاه

- ارزش بصری یا رنگ مایه ، میزان شدت تاریکی و روشنایی است.
- توانایی دیدن به علت وجود نسبی نور است.
- جنس و بافت اشیا در میزان بازتاب نور دخالت دارند.
- در طبیعت بین نور و تاریکی مطلق درجات مختلفی وجود دارد، این درجات را رنگ مایه یا تونالیته می‌نامند.

- یکی از مؤثرترین روش‌ها برای نشان دادن بعد سوم است.
- با سایه روشن بدون توجه به رنگ، تصاویر سیاه و سفید یا طراحی‌های سایه روشن دار از طبیعت را مطابق واقعیت می‌بینیم.
- در تمدن‌های باستانی نور مظهر مردانگی بود و زمین و ماه که روشنی خود را از خورشید می‌گرفتند، از جنس ماده به شمار می‌رفتند.
- در فلسفه کهن چین، یین مظهر تاریکی و یانگ مظهر نور است.
- برای ایجاد حجم پردازی و برجسته‌نمایی در طراحی و نقاشی از سایه روشن کاری بهره می‌گیرند.
- خاصیت نمادین نور از ذهن خیال‌پرداز انسان سرچشمه می‌گیرد.
- نور مظهر دفع ظلمت است.
- هنگامی که تاریکی و روشنایی به حداکثر شدت خود برسند و نیم سایه‌ها حذف یا بی‌اهمیت شوند، فضای مثبت و منفی ایجاد می‌شود.
- رنگ‌ها در درجه روشنی و تاریکی با هم تفاوت دارند.
- هرگاه رنگ‌ها در درجه یکسان از تاریکی و روشنایی کنار هم قرار گیرند، تنها براساس خاصیت رنگی آن‌ها را از یکدیگر تشخیص می‌دهند.
- در نقاشی نوین سعی می‌کنند کاربرد نور را به رنگ بسپارند.
- در ایران باستان و ایران اسلامی همواره نور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و آن را نمادی از ذات باری تعالی می‌دانند.
- در نگارگری ایرانی نور منتشر است و در جهانی به دور از سایه‌ها، طبیعت پردازی و سایه پردازی نمی‌شوند. برای خلق پرسپکتیو جوی می‌توان از ارزش‌های بصری استفاده کرد.
- نقاط زیاد کنار هم می‌توانند تصویری از رنگ مایه (خاکستری‌های بصری) و رنگ‌های مختلف را در ذهن پدید آورند. خورشید یک منبع غنی نور برای روشن نمودن فرم‌ها و فضاها در معماری است.
- به کمک نور، فضاها دگرگون می‌شود. فضاها کوچک، بزرگ جلوه می‌کند یا فضاها بزرگ، کوچک‌تر دیده می‌شود. با آن می‌توان فضایی را شاد یا دلگیر کرد.
- نور در معماری مذهبی نقش مهمی را ایفا می‌کند و نقش هدایت‌کننده به سوی کمال را به عهده می‌گیرد. ►

ارزش بصری

ارزش بصری یا رنگ مایه^۱، میزان شدت تاریکی و روشنایی است. توانایی دیدن به علت وجود نسبی نور است. نه در تاریکی مطلق و نه در نور محض چیزی نخواهیم دید. در یک اتاق تیره در شب ما چیزی نمی‌بینیم و به اشیاء و دیوارها برخورد می‌کنیم. صفحه‌ای که شما در حال خواندنش هستید، خواناست چرا که تیرگی‌های خطوط تایپ شده با روشنایی زمینه در تضاد است. از طریق نور و تاریکی است که موفق به دیدن اشیا می‌شویم. وقتی نور طبیعی یا مصنوعی محیط را فرا می‌گیرد، اشیا آشکار می‌گردند. ولی همه‌ی محیط به صورت یکنواخت روشن نمی‌شود. جنس و بافت اشیا در میزان بازتاب نور دخالت دارند (تصاویر ۳ و ۲ و ۴-۱). بازتاب نور از اشیای صیقلی و درخشان با شدت بیش‌تری به چشم ما می‌رسد. اشیای زیر و خشن بازتاب نور کم‌تری دارند. حال تاثیر بافت را در دو اثر از میکل آنژ با هم مقایسه می‌کنیم.



تصویر ۲-۴ تاثیر تاریک و روشن بر جنسیت و بافت



تصویر ۱-۴ تاثیر تاریک و روشن بر جنسیت و بافت



تصویر ۴-۳



در تصویر ۴-۴ چهره حضرت مریم به لحاظ صیقلی بودن سنگ مرمر نور لطیف و ملایم دیده می‌شود و انعکاس‌های ظریفی در آن دیده می‌شود اما در اثری دیگر از همان هنرمند بافت درشت سنگ به کمک نور دیده می‌شود (تصویر ۴-۵).

تصویر ۴-۶ حجمی صیقلی و درخشان است و بازتاب اطرافش را نشان می‌دهد. این اثر به لحاظ شکل اعوجاج یافته‌اش، موجب انعکاسات جالبی شده است و نظر مردم را به خود جلب نموده است. حال اگر آن را با حجمی دیگر از لحاظ بافت و جنسیت مقایسه کنیم، خواهیم دید که تاثیر نور بر آن‌ها یکسان نخواهد بود. زیرا صرف نظر از شکل آن‌ها با در نظر گرفتن جنسیت و بازتاب نور متفاوت عمل می‌کنند (تصاویر ۶ و ۴-۵).

تصویر ۴-۴ حضرت مریم بخشی از مجسمه، میکل آنژ





تصویر ۶-۴ حجم صیقلی از جنس استیل، شیکاگو



تصویر ۶-۴ بخشی از همان اثر

درجات نور و تاریکی

در طبیعت بین نور و تاریکی مطلق درجات مختلفی وجود دارد، این درجات را توانلیته یا رنگ‌مایه می‌نامند. مطالعات نشان داده است که چشم انسان به‌طور متوسط می‌تواند تا ۴۰ درجه از آن را تشخیص دهد. اغلب هنرمندان در هنرهای بصری تعداد محدودی از این درجات متفاوت رنگ‌مایه را استفاده می‌کنند.

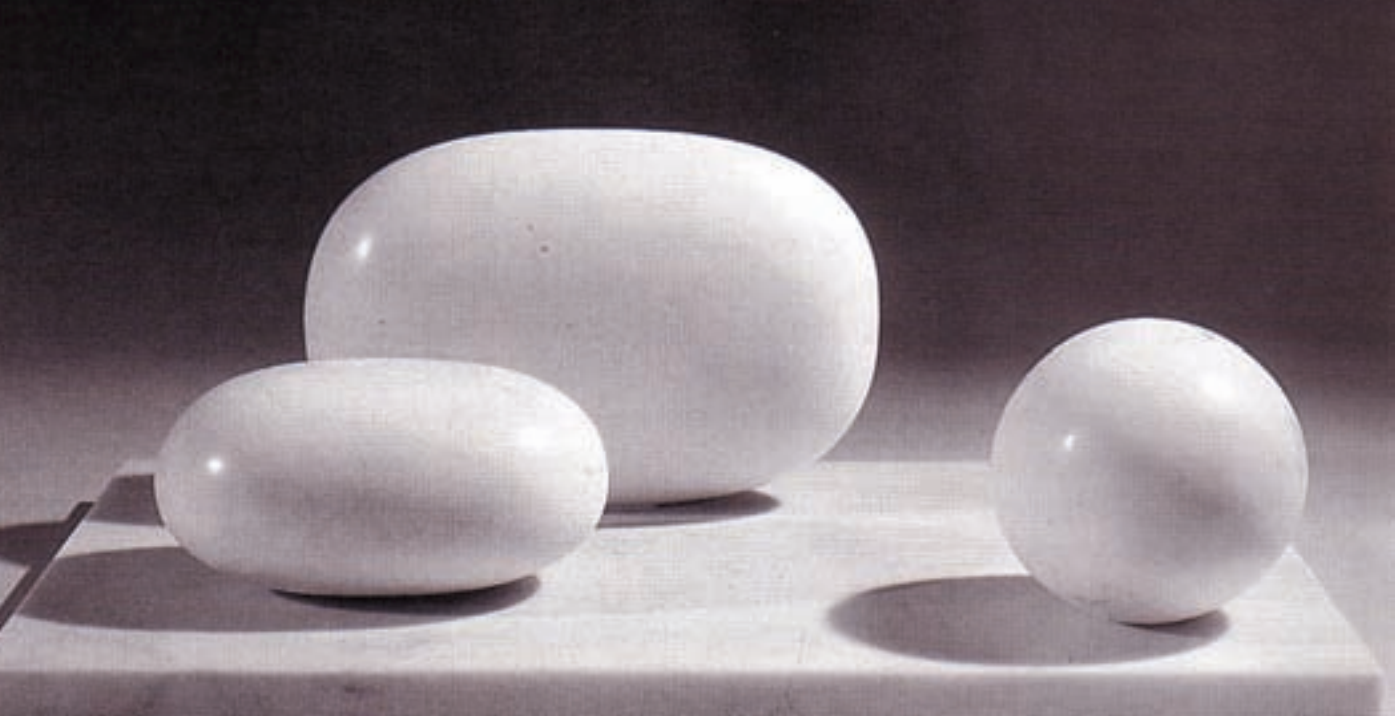
در تصویر ۴-۷ درجات رنگ‌مایه‌ها به ترتیب مجاور یکدیگر قرار گرفته‌اند و یک رنگ‌مایه معین با ارزش متوسط در میان آن‌ها نشان داده شده است. جالب این است که میزان تاریک و روشنایی این رنگ‌مایه ثابت در زمینه‌های مختلف کاهش یا افزایش می‌یابد و متغیر به نظر می‌رسد.



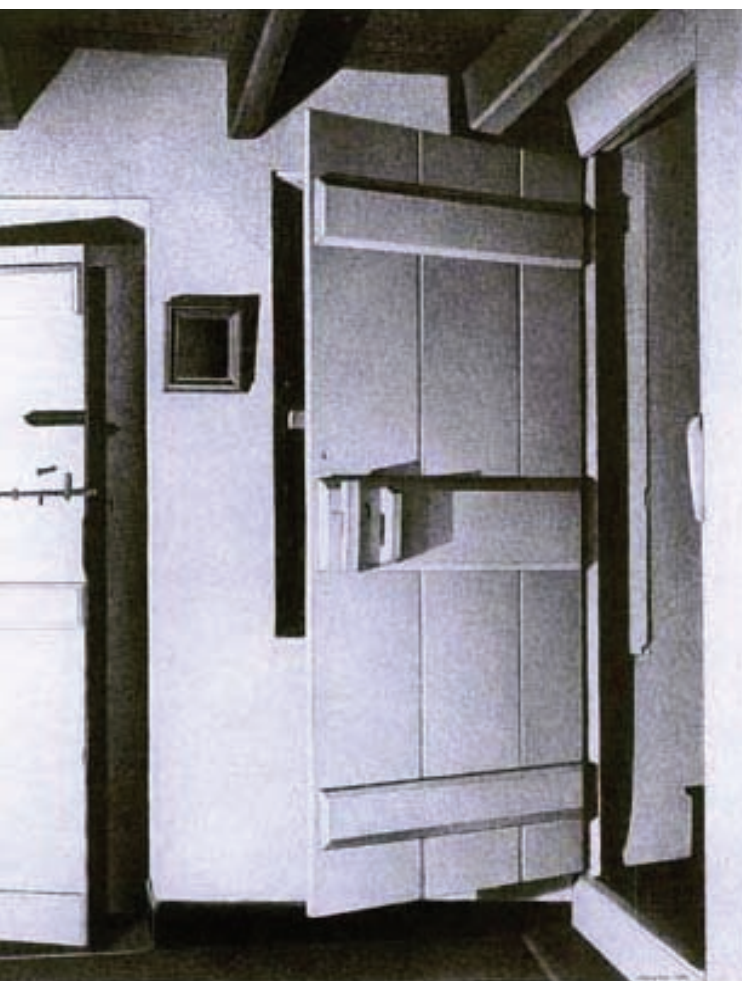
تصویر ۴-۷ درجات نور و تاریکی

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم سه بعدی است. سایه روشن یکی از مؤثرترین روش‌ها برای نشان دادن بعد سوم است. البته در ژرف‌نمایی (پرسپکتیو) روش‌های زیادی برای نمایش بعد سوم وجود دارد، ولی بدون سایه روشن مشکل می‌توان تصویری نزدیک به واقعیت ارائه داد. افزودن رنگ‌مایه به تصویر به مراتب آن را واقعی‌تر جلوه می‌دهد، زیرا احساسی شبیه به انعکاسات متنوع نور در طبیعت به وجود می‌آورد. تاثیر سایه روشن در شکل‌های ساده مثل دایره، بهتر قابل تشخیص است. زیرا به کمک سایه روشن حجم کره را از دایره می‌سازد (تصویر ۸-۴).

اهمیت درجات تاریکی روشنی برای ما چنان است که بدون توجه به رنگ، تصاویر سیاه و سفید یا طراحی‌های سایه روشن دار از طبیعت را مطابق واقعیت می‌بینیم (تصویر ۱۰ و ۹-۴). در تصویر ۱۱-۴ هنرمند با مهارت درجات متنوعی از تاریک و روشنایی را به کمک مداد کنته نشان داده است. ظرافت دید هنرمند در استفاده از مداد کنته قابل تحسین است.



تصویر ۸-۴ هیپورت، سه فرم، مرمر، گالری لندن



تصویر ۱۱-۴ درواز، مداد کنته روی کاغذ



تصویر ۹-۴ درجات نور و تاریکی در طبیعت



تصویر ۱۰-۴ تضاد تاریک و روشنایی در طبیعت

در طول تاریخ درباره روشنائی، نظرات زیادی ارائه شده است. چنان که شاعر آلمانی گوته، در لحظه فرا رسیدن مرگ خود کلمات "روشنی بیش‌تر" را به زبان می‌آورد (تصویر ۱۲-۴) و در سده هجدهم فیلسوفان مکتب روشنگری عموماً از نور خرد سخن گفته‌اند. از نظر آن‌ها نور مظهر دفع ظلمت است و به این معنی نمادین اشاره می‌کند که عقل و اندیشه می‌تواند تاریکی‌ها را روشن کند. در تمدن‌های باستانی نور مظهر مردانگی بود و خدای خورشید، از جنس نر انتخاب می‌شد، مانند: میترا در ایران باستان، شمش در بین النهرین و هوروس در مصر باستان، آپولون در یونان باستان و بر خلاف آن زمین و ماه که روشنی خود را از خورشید می‌گرفتند، از جنس ماده به شمار می‌رفت و به اعتقاد آنان خورشید بدون زمین و ماه امکان مرئی شدن نمی‌یافت. بنابراین نیاز به تاریکی و نیاز به روشنائی یکسان می‌باشد. این نیاز تاریکی و روشنائی به یکدیگر، در فلسفه کهن چین بارزتر است، در فصل دوم اشاره شد بین مظهر تاریکی و یانگ مظهر نور است. ترکیب متقارن بین و یانگ حرکتی چرخشی، پیوسته و نیرومند است. به اعتقاد آن‌ها یانگ چرخ‌زنان به مبدا خود باز می‌گردد و وقتی بین به اوج خود رسید جایش را به یانگ می‌سپارد.



تصویر ۱۲-۴

برجسته نمایی

برای ایجاد حجم‌پردازی و برجسته‌نمایی^۱ در طراحی و نقاشی از سایه روشن‌کاری^۲ بهره می‌گیرند. طراحی‌های مقابل با استفاده از هاشور حجم‌پردازی شده است (تصویر ۱۳-۴).



د.



ج.



تصویر ۱۳-۴ الف

۱. Modelling .

۲. Chiaroscuro .

لازم به ذکر است که نقاشان چیره دست رنسانس این شیوه را به اوج کمال رساندند. در اثر معروف مونالیزا (لبخند ژکوند) داوینچی این چهره را درون یک هرم قرار داده است. سه لکه بزرگ روشنایی دیده می‌شود که درجات روشنایی آن‌ها به تدریج تغییر کرده است. نوری که از سمت چپ بالا تابیده، پیشانی، گونه‌ها و چانه را برجسته نموده و در عوض زیر ابروان، بینی و گردن را تاریک کرده است. داوینچی روشنایی چهره را با موهای تیره چنان متمرکز ساخته که چشم بیننده را در اولین نگاه جذب می‌کند. نور روی سینه با یقه و موها و تیرگی گردن محدود شده است. اگر رنگ لباس روشن بود، یا موها در بالای سرش جمع می‌شد، تمرکز نور آن قدرت کمتری می‌یافت. نور ملایم‌تری هم بر روی دست‌ها تابیده و بدین ترتیب نظم و تعادل بین روشنایی‌ها و تاریکی‌ها ایجاد شده است. تابش نور در پشت سر آن نیز با دقت تنظیم شده است. لایه‌های مختلف تاریکی و روشنایی که از موضوع اصلی خاموش‌ترند، یکی پس از دیگری عمق لازم را به فضای منظره داده و گردش نور در سراسر اثر را تامین کرده است. البته زاویه دید داوینچی هم بسیار مهم است. زیرا چهره مونالیزا را کمی از پایین نگاه کرده تا عظمت چهره را چند برابر کند، اما منظره را کمی از بالا



تصویر ۱۴-۴ مونالیزا (لبخند ژکوند) -
لئوناردو داوینچی

دیده است. گویی نقاش از بلندی به منظره نگاه کرده است تا اهمیت و عظمت خارق‌العاده‌ای به آن ببخشد (تصویر ۱۴-۴).

تاریک و روشن متضاد، تمرکز نور و ایجاد عمق در نقاشی را "داوینچی" آغاز کرد ولی در آثار "کاراواجو" و "رامبراند" تجلی یافت.

این هنرمندان به مبالغه و اغراق در نورپردازی رسیدند و به جنبه‌های عاطفی شدت بخشیدند. در تابلو فراخوانده شدن قدیس متی نوری که از دست راست بر صحنه تابیده، جنبه‌ای کاملاً نمایشی دارد. بخش بزرگی از پیکره‌ها در تاریکی قرار دارند. نقاش از نور به عنوان نیرویی رهایی‌بخش استفاده کرده است (تصویر ۴-۱۵). آثار رامبراند در نورپردازی به اوج خود رسید. وی برای نفوذ در ژرفای روان آدمی از نور و تاریکی بهره گرفت. گم شدن نور در سایه‌ها دلالتی بر خصوصیات انسانی و آسیب‌پذیری و حالت روان متغیر آدمی است (تصویر ۴-۱۶). این خصوصیات روانی در آثار حکاک‌های رامبراند نیز قابل تشخیص است. در تصویر ۴-۱۷ هنرمند به کمک مجموعه خطوط متفاوت در روی گراوور مسی درجات گوناگون و بسیار ظریف سایه روشن را به وجود آورده است و سه گروه اصلی نور و تاریکی و نیم‌سایه در آن دیده می‌شود. شخصیت دوگانه دکتر فاوست^۱ با درجات مختلف سایه‌ها در مقابل نور پنجره نشان داده شده است او در جستجوی عمق زندگی است که با نور و سایه به صورت نمایشی بیان شده است.



تصویر ۴-۱۶ فیلسوف - رامبراند



تصویر ۴-۱۵ فراخوانده شدن قدیس متی - کاراواجو

۱. شخصیت دو گانه دکتر فاوست در تردید و دودلی میان خیر و شر بود.



تصویر ۱۷-۴ ب دکتر فاوست - رامبراند - حکاکی



تصویر ۱۷-۴ الف بخشی از یک اثر حکاکی - رامبراند

منبع نور از بالا یا پایین و ... در احساسات و عواطف بیننده تاثیر عمده‌ای دارد. مقدار نور و جهت تابش آن دگرگونی‌های متنوعی را در اثر به وجود می‌آورد. خصوصاً با تغییر زاویه نور در چهره تفاوت‌های چشمگیری در حالت افراد به وجود می‌آید (تصاویر ۲۰ الی ۱۸-۴).



تصویر ۱۹-۴ تاثیر زاویه‌ی نور در حالت چهره



تصویر ۱۸-۴ والترهاک، چهره خودش، مداد روی کاغذ